



Presenting a Model based on the Theory of Participation to Achieve Political Development Indicators After the Islamic Revolution of Iran

Karim Mohammadi ¹

Majid Radfar ^{2*}

Zahra Hazrati Soumea ³

Received on: 11/04/2023

Accepted on: 20/10/2023

Abstract

The aim of this study is to identify effective indicators of political development in Iran following the Islamic Revolution, grounded in the theory of participation. In this study, it was essential to consider the context and background of the research while exploring the phenomenon from various dimensions by extracting the tacit knowledge of experts. Therefore, a qualitative method was employed, which is a flexible approach that yields spontaneous findings. Among the various qualitative research strategies, the grounded theory strategy was utilized. The research population consisted of 15 experts in the fields of politics and economics. The sample size in the present study is determined using the principle of theoretical saturation, and participants are selected through purposive sampling. The methods of collecting research information are divided into two categories: library research and field research, which includes the interview method. Library methods are employed to gather information pertaining to the subject literature, research background, and field methods, which involve collecting data through interviews with research experts. The research findings indicated that after examining the open codes and categorizing them, the researcher organized the data into 30 categories using the Strauss and Corbin paradigm. Through conducting interviews and analyzing the data, the researcher gained a deeper understanding of the issues presented. Based on the findings from the qualitative section, it was determined that the causal indicators related to political development in Iran after the Islamic Revolution, according to the theory of participation, include the quality of citizens' working life, freedom of expression, accountability and responsibility, societal culture, and foundational legal documents. Additionally, the contextual indicators associated with political development in Iran post-Islamic Revolution, as per the theory of participation, encompass education and skill development, team building, socio-cultural needs, legal requirements, and information technology infrastructure.

Keywords: Iran, Political development, Civic participation, Changes in social conditions, Political parties.

1. Ph.D student of Political Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran branch.

(Email: k.mohamadi5491@gmail.com)

2*. Associate Professor of Sociology Department, Islamic Azad University, Roudhen branch, Iran.

(Corresponding Author: majidradfar20@gmail.com)

3. Associate Professor of Sociology Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: hazrati14@yahoo.com)



ارائه الگوی بر اساس نظریه مشارکت به منظور نیل به شاخص‌های توسعه سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸

کریم محمدی^۱

مجید رادفر^{*۲}

زهرا حضرتی صومعه^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شاخص‌های اثر بخش بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت است. در این تحقیق به دلیل آنکه لازم بود توجه به بستر و زمینه تحقیق و با استخراج دانش ضمنی خبرگان پدیده مورد مطالعه از ابعاد مختلف مورد جست‌وجو قرار گیرد، لذا از روش کیفی که رویکردی منعطف بوده و یافته‌های آن به صورت خود جوش ظاهر می‌شوند، استفاده شده و از بین راهبردهای مختلف تحقیق کیفی از راهبرد گرانددتئوری استفاده شد. در پژوهش حاضر از ۱۵ نفر متخصص در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به عنوان جامعه پژوهش بهره برده شد. حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از اصل اشباع نظری تعیین می‌شود که این افراد با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب می‌شوند. روش‌های گردآوری اطلاعات پژوهش به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی از روش مصاحبه تقسیم می‌شود. در خصوص گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی با مصاحبه از خبرگان پژوهش استفاده می‌شود. نتایج پژوهش بدین گونه بود که پس از بررسی کدهای باز و دسته‌بندی آنها، محقق در قالب ۳۰ مقوله را با استفاده از پارادیم استراوس و کوربین دسته‌بندی نموده است و با انجام مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، درک عمیق‌تری در رابطه با موضوعات مطرح شده بدست آورده است براساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های علی مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارتند از: کیفیت زندگی کاری شهروندان و داشتن آزادی بیان، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، فرهنگ جامعه، اسناد و قوانین بالادستی. همچنین مشخص گردید که شاخص‌های زمینه‌ای مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارتند از: آموزش و توسعه و مهارت افزایی، تیم سازی، الزامات فرهنگی - اجتماعی، الزامات قانونی، زیرساخت فناوری اطلاعات.

واژگان کلیدی: ایران، توسعه سیاسی، مشارکت، تحول شرایط اجتماعی، احزاب سیاسی.

۱. دانش آموخته دوره دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (صفحه ۸۷-۱۱۰)

(k.mohamadi5491@gmail.com)

*۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران. (نویسنده مسئول: majidradfar20@gmail.com)

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (hazrati14@yahoo.com)

مقدمه

بدون تردید، توسعه پایدار و بهبود زندگی اجتماعی متأثر از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور است که به خوبی این نوع عوامل در شاخص‌های توسعه دیده می‌شود. از طرفی دیگر برای توسعه سیاسی وجود بازیگران نقش محوری دارد. با توجه به اینکه حزب سیاسی به عنوان بازیگر اصلی در توسعه سیاسی یک کشور شناخته می‌شود، روشن است که فقدان احزاب سیاسی بایستی فضا را برای نقش‌آفرینی دیگر بازیگران مهیا کند (Komeili, 2017: 45). گروه‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین جایگزین‌های کنشگری سیاسی هستند که در صورت بررسی می‌تواند تأثیرات و نتایج قابل توجهی به همراه داشته باشند. ایران پس از انقلاب و بر اساس فرازها و نشیب‌ها با ناکارآمدی احزاب روبرو بوده است. بدون تردید، توسعه پایدار و بهبود زندگی اجتماعی متأثر از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور است که به خوبی این نوع عوامل در شاخص‌های توسعه دیده می‌شود. بررسی شاخص‌های مهم و تأثیرگذار توسعه سیاسی مثل مشارکت و رقابت سیاسی، احزاب و مطبوعات و تأثیر آن بر پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین مسائل داخلی برای ایران و برای کشورهای همسایه و حتی کل جهان بوده است (عرب احمدی و خزایی، ۱۳۹۷: ۳۹). امروزه بسیاری از متفکران لازمه تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت فعال و سازمان‌یافته را در تأسیس احزاب به معنای واقعی کلمه می‌دانند و آن را مرحله تکمیلی از مراحل انقلاب اسلامی به شمار می‌آورند که چنین امری در جهت تضمین تداوم و تعادل نظام ضروری است. اکنون که کشور در فرایند فراز و نشیب‌های نوسازی، توسعه و بحران‌های آن قرار دارد تقاضای مشارکت سیاسی نیز رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی است. مشارکتی که خود برخورد از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند باشد (Janooski, 2018: 67). از طرفی دیگر برای توسعه سیاسی وجود بازیگران نقش محوری دارد (علی‌محسنی، ۱۳۹۲: ۳۵). با توجه به اینکه توسعه دارای ابعاد مختلفی بوده اما عمدتاً بر محور اقتصادی و سیاسی استوار است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ۵۷ با ادبیات رایج توسعه بیگانه بوده و روند توسعه در کشور عمدتاً متأثر از فضای انقلابی و تحولات ناشی از آن است. برای این منظور رشد و توسعه صورت گرفته در ایران دارای نوعی فراز و نشیب است که به منظور الگوسازی بایستی شاخص‌های اثربخش بر آن را احصاء سپس بتوان برای سیاست‌گذاری دقیقی از توسعه در ایران به ارمغان آورد. پژوهش حاضر به منظور بررسی و احصاء شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه در ایران بر مدار شرایط اجتماعی و فرهنگی

پرداخته و در تلاش است تا الگوی جدیدی از فرآیند توسعه سیاسی در ایران را به نمایش بگذارد.

الف - پیشینه تحقیق

اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان تأثیر فهم سیاسی مبتنی بر عقلانیت فقهی بر چگونگی شکل‌گیری نظام سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی را ارائه کردند. گفتمان انقلاب اسلامی، پیش از پیروزی انقلاب، در صورت‌بندی خود در مواجهه با دیگر گفتمان‌های سیاسی، به تعریف خود و مفصل‌بندی دال‌های خود پرداخت و توانست در فضای سیاسی ناشی از انقلاب، خود را متمایز کرده و به بیان گفتمانی «هژمون» کند. دال‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی، حول دال مرکزی «اسلام سیاسی» مفصل‌بندی شدند. این مفصل‌بندی پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم‌تداوم داشت. وضعیتی که پس از انقلاب، موجب تحول در این گفتمان شد، این بود که اکنون یک «نظام سیاسی» بر مبنای این گفتمان شکل گرفته بود و همین مسئله، موجب شد که این گفتمان با اقتضائاتی روبه‌رو شود که برخی تحولات در آن روی دهد. از آنجایی که مبنای اساسی انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی فقهاتی بود و ولی‌فقیه در رأس این نظام حضور داشت، هرگونه تحول در این گفتمان باید سویه‌ای فقهی نیز داشته باشد. در این مقاله این سؤال مورد نظر قرار گرفته است که با در نظر گرفتن مؤلفه عقلانیت فقهی، دلیل اصلی تحول گفتمان‌های مسلط در پهنه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در این میان فرضیه این مقاله آن است که دو مقوله به هم پیوسته «مصلحت» و «حکم حکومتی» به عنوان اصلی‌ترین عوامل تحول در گفتمان اسلام سیاسی از دیدگاه عقلانیت فقهی در نظر گرفته شده است.

مرادی و همکاران در سال (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی را انجام دادند. سرمایه اجتماعی که در دهه‌های اخیر بیشتر مورد توجه اندیشمندان و متفکران حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته است، مفهومی کلان بوده و دربردارنده ابعاد متعدد اجتماعی همچون اعتماد و مشارکت اجتماعی، هنجارها و وجوه گوناگون پیوندها، همکاری، اعتماد متقابل و ارتباطات میان اعضای یک شبکه است. با توجه به این مهم، تحقیق حاضر به بررسی نقش سرمایه اجتماعی (با سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی) در توسعه اجتماعی و سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. این تحقیق به روش آمیخته (کمی و کیفی) صورت گرفته است و جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی شامل ۶۰۰ نفر از دانشجویان شهر تهران در

سال ۱۳۹۸ و در فاز کیفی شامل ۱۲ نفر از صاحب‌نظران مسائل توسعه، استادان دانشگاه بود که با استفاده از تکنیک دلفی فازی اطلاعات آن‌ها گردآوری و تحلیل شد. تکنیک دلفی فازی به عنوان تأییدی بر یافته‌های کمی مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد توسعه سیاسی جوامع دانشگاهی بر سرمایه اجتماعی اثرگذار بوده است. به عبارتی، بین متغیرهای توسعه سیاسی (متغیر وابسته) و سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل) همبستگی معناداری وجود دارد. در کل، می‌توان اشاره داشت که ۴۲/۳٪ از تغییرات متغیر وابسته یعنی توسعه سیاسی (حق رأی و شرکت در انتخابات و اجتماعات) به کمک متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) قابل تبیین است. یافته‌های تکنیک دلفی فازی حکایت از توافق تقریباً کامل (بالای ۷۰ درصد) خبرگان در مورد تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی و اجتماعی در ایران دارد.

مجید صباغ کرمانی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی به این نتیجه دست یافته است که افزایش هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت، همواره مؤثر نبوده است؛ اما در کشورهایی که از وضعیت حکمرانی بهتری برخوردار بوده‌اند؛ این افزایش هزینه، تأثیر بیشتری بر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی داشته است؛ به عبارت دیگر، بهبود شاخص‌های حکمرانی، عملکرد هزینه‌های این دو بخش را افزایش داده است.

حسین رحیمی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی به شرح این موضوع پرداخته است که در دنیای معاصر، احزاب ایفاگر نقشی والا در جوامع هستند و شرط اولیه حکومت‌های دموکراتیک، وجود احزاب گوناگون است. احزاب سیاسی با کارکردهای متعدد، از جمله گسترش مشارکت سیاسی، مشروعیت، یکپارچگی ملی، مدیریت منازعات و جامعه‌پذیری سیاسی، می‌توانند تأثیر بسزایی در زندگی عمومی و سیاسی جامعه برجای بگذارند و با کمک به گسترش آگاهی سیاسی مردم، شهروندان را به زندگی انتقادی، همبستگی و فعالیت جمعی سوق داده و با تأثیرگذاری بر شکل‌دهی و تبیین مصالح دینی و ملی، ضریب امنیت ملی را افزایش دهند. اینک جامعه در حال گذار ایران در برهه خاصی از تاریخ خود واقع شده است که نیاز مبرمی به توسعه سیاسی و اقتصادی دارد. این در حالی است که موانع عظیمی نیز بر سر راه آن مشاهده می‌شود؛ از این‌رو برای دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی و نیز کنترل و تحدید قدرت، ایجاد احزاب قانونی و قدرتمند در جامعه، لازم و ضروری می‌نماید. هدف این تحقیق، شناخت رابطه احزاب با توسعه سیاسی

و در کل امنیت ملی است و چارچوبی نظری برای این موضوع تازه در کشور ما، به شمار می‌رود. محمدحسین مهدوی عادل (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط به این موضوع اشاره دارد که عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی آن‌ها وابسته است. این نهادها و سیاست‌ها، مشخص‌کننده کیفیت حکمرانی در بین کشورها هستند. در این بررسی به روش داده‌های ترکیبی، شاخص‌های توسعه‌یافته جدیدی به کار بسته شد تا تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را برای نمونه‌ای ۳۴ کشوری از کشورهای با درآمد متوسط بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ برآورد کنیم. نتایج تخمین‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط است.

ب- مبانی نظری و روش تحقیق

توسعه سیاسی^۱: به دلیل چندبعدی جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده‌ترین سطح یک جامعه است. قبل از اینکه تعریف دقیقی از توسعه سیاسی ارائه دهیم، به نظرات برخی از دانشمندان در باب توسعه سیاسی اشاره خواهیم نمود (آقامحمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۵۳):

رونالدچیکلوت: معتقد است که نظریات توسعه سیاسی رابه سه قسمت می‌توان تقسیم کرد.

الف- آن دسته که توسعه سیاسی رابادموکراسی مترادف می‌دانند.

ب- آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند.

ج - آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته‌اند (سریع القلم، ۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۲۹).

بایندر: معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت سر بگذارد. «این پنج بحران عبارت‌اند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع». او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های فوق به ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

.....
1 . political development

هانتینگتون: مفهوم توسعه سیاسی بر اساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است؛ در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند؛ بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج و... روبرو خواهد شد (پریزاد و سلیمانی، ۱۴۰۱: ۲۵).

جدول شماره ۱- تعریف توسعه سیاسی

ردیف	تعریف	منبع
۱	توسعه سیاسی به عنوان یک فرایند پیچیده و چند جانبه در ارتباط با نظام سیاسی یک کشور تعریف می‌شود. این فرایند شامل تغییراتی در سیاست‌ها، قدرت‌ها، روابط قدرت و ارتباطات سیاسی است که به منظور تحقق تلاش‌های جامعه مبنی بر بهبود شرایط زندگی، عدالت و دیگر اهداف اجتماعی ارائه می‌شود.	(Fukuyama, 2020)
۲	توسعه سیاسی به عنوان فرآیندی اجتماعی است که با توجه به تغییر و تحولاتی که در سطح سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌شود، با هدف بهبود و ارتقاء وضعیت مردم، از جمله از طریق ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و حمایت از حقوق شهروندان پیش می‌رود.	(Huntington, 1968)
۳	توسعه سیاسی به عنوان فرآیندی است که بهبود و توسعه‌ی مؤسسات، سیاست‌ها، نظام‌های حاکمیت و عملکرد دولت در جهت ارائه‌ی خدمات بهتر و بیشتر برای شهروندان می‌پردازد. این فرآیند شامل ایجاد قدرت مردمی برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به جامعه، بهبود حقوق پایه و نیز افزایش اعتماد مردم به سیستم حاکمیت می‌باشد.	Carothers, T. (1996)
۴	توسعه سیاسی را می‌توان به عنوان فرآیندی تعریف کرد که شامل تحولات و تغییراتی در سیستم سیاسی یک کشور می‌شود. این تغییرات ممکن است شامل تحولات دموکراتیک، پایدارسازی نظام حکومتی، مدیریت اقتصادی و افزایش هویت ملی باشد. در توسعه سیاسی، عواملی همچون پایداری، برابری، عدالت و رعایت حقوق بشر بسیار مهم هستند که بر اساس آن‌ها، یک سیستم سیاسی پایدار، متعادل و پویا می‌تواند توسعه یابد.	Pye, L. W. (1966)
۵	توسعه سیاسی به عنوان فرآیندی در نظر گرفته می‌شود که شامل تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی در جامعه است. در این فرایند، سیاستمداران، جوامع مدنی و شهروندان برای تحقق تغییراتی در جامعه و بهبود شرایط زندگی افراد، به کار می‌پردازند. این توسعه معمولاً به قوانین و مقرراتی که برای انجام این تغییرات تعریف شده باشند، وابسته است.	Boone, L. E, & Kurtz, D. L. (2019)

(منبع: محقق ساخته)

۱- نظریه مشارکت برجسته

نظریه مشارکت برجسته یا «نظریه مشارکت فعال» یک نظریه اجتماعی است که توسط زینو کولمن و برنارد باربر در دهه ۱۹۷۰ میلادی مطرح شد. این نظریه بر این اساس است که مشارکت فعال شامل تمام فرآیندهای مشارکتی همچون شرکت در انتخابات، عضویت در سازمان‌ها و گروه‌های مختلف، ارتباط با نهادهایی که تصمیمات مهمی برای جامعه می‌گیرند و ... قرار دارد. نظریه مشارکت برجسته می‌گوید که شرایط متعددی می‌توانند به این نوع مشارکت دشواری بیفزایند، برای مثال فاصله فرهنگی بین افراد، عدم دسترسی به معلومات کافی، عدم اعتماد به نهادهای عمومی و ... این نظریه بر این باور است که در صورتی که شرایط برای شرکت فعال و مشارکتی افراد در تصمیم‌گیری‌های جامعه فراهم شود، جامعه از دقت و درستی بیشتری برخوردار خواهد شد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۳).

نظریه مشارکت برجسته یا «تئوری مشارکت جامعه‌ای» مفهومی است که به عنوان یکی از اصول کلیدی دموکراسی شناخته می‌شود. این نظریه بر مبنای این ایده ساخته شده است که حضور و مشارکت فعالانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مهم و انتخابات سیاسی، حکومت مردمی را تامین می‌کند؛ به عبارت دیگر، در این نظریه، مشارکت شهروندان به عنوان یک عامل اساسی در تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک در نظر گرفته شده است (صدیق و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۴۳). هدف این نظریه اینست که شهروندان در تمام مراحل فرایند سیاسی مشارکت کنند؛ از جمله در تعیین اولویت و بحث در مورد تصمیمات شهری، تخصیص بودجه و در نهایت انتخابات. با این حال، نکته قابل توجه در این رابطه این است که مشارکت شهروندان ممکن است با توجه به مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی و سیاسی، زینت‌هایی هم داشته باشد. برای مثال، ممکن است منافع گروه‌های خاص در زمان بحث و تصمیم‌گیری به چشم پوشی شود یا همچنین برخی افراد به دلیل مشغله و نداشتن زمان کافی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری، از این فرصت محروم شوند. بهرحال، نظریه مشارکت برجسته به عنوان یکی از مبانی دموکراسی، همچنان یکی از مهمترین مفاهیم در سیاست و جامعه‌شناسی است. نظریه مشارکت برجسته یک نظریه در حوزه علوم اجتماعی است که بر مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری تاکید می‌کند. این نظریه معتقد است که مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری، بیشتر به نفع جامعه است و منجر به تصمیمات بهتر و پایدارتر می‌شود. در این نظریه، شهروندان به عنوان یکی از عوامل مهم در فرایند تصمیم‌گیری شناخته شده و این امر منجر به ایجاد ارتباط گسترده‌تری بین حکومت و شهروندان می‌شود. از جمله مثال‌های این نظریه می‌توان به امکان

شرکت مردم در انتخابات، تشکیل گروه‌های شهروندی و نظارت مستقیم بر فعالیت‌های دولتی اشاره کرد. در کل، نظریه مشارکت برجسته به این اعتقاد دارد که مشارکت مستقیم مردم در فرایند تصمیم‌گیری بهبود روند تصمیم‌گیری و بهبود سطح زندگی جامعه منجر می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۷۱).

۱-۱- مشارکت سیاسی

از آنجا که تمامی نظام‌های سیاسی امروز، حتی حکومت‌های استبدادی تک‌حزبی و رژیم‌های نظامی، تلقی مثبت از واژه مشارکت داشته و همگی مدعی وجود مشارکت در درون خود هستند؛ لازم است برای کاربردهای تحلیلی، تعریفی رفتاری و دقیق از مشارکت ارائه دهیم. بررسی مختصر تعاریف مشارکت نیازمند توجه به دو مورد است: اول اینکه مشارکت در مباحثات ایدئولوژیکی عصر مدرن، دارای جایگاهی مهم است و دیگر آنکه در این عصر، دقیق بودن مفهوم مشارکت، بسیار مورد نیاز است. در هر صورت برخی از تعاریف مشارکت را مورد بررسی قرار می‌دهیم (جلالیان و شهرکی، ۱۴۰۱: ۱۳۷۳).

در اغلب موارد مشارکت به اقداماتی که متضمن حمایت و همچنین، درخواست از نخبگان حکومت است، اطلاق می‌شود. رژیم‌های اقتدارگرا معمولاً برای اینکه نشان دهند اقتدارشان بر پشتیبانی مردمی متکی است از همه‌پرسی و تظاهرات توده‌ای حمایت می‌کنند. در این حالت، مشارکت به معنی مراجعه به مشروعیت عمومی است (مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۶).

بعضی از مردم مشارکت را فقط عبارت از اقدامات قانونی (مشروع) شهروندان از قبیل رأی دادن، تظاهرات، دادخواهی و... دانسته و اعمال غیرقانونی آن‌ها را جزء مشارکت به حساب نمی‌آورند؛ اما در مقابل کسانی که طرفدار اصلاحات سیاسی بنیادی هستند (رادیکال‌ها) اقدامات غیرقانونی شهروندان را هم از قبیل عصیان‌های اجتماعی و دیگر اشکال رویارویی توده‌ای به عنوان مصادیق خاص مشارکت در یک نظام دموکراسی مطرح می‌کنند (مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۷).

از آنجا که میلیون‌ها نفر شهروند نمی‌توانند مستقیماً در حکومت مشارکت مؤثر داشته باشند؛ برخی، نمایندگی را به عنوان شکلی مناسب از مشارکت مطرح می‌کنند. بعضی دیگر با حذف کلیه واسطه‌های موجود بین شهروندان و دولت، به نفع حکومت مردمی بی‌واسطه و یا مشارکتی، موافق‌اند. حامیان چنین حکومتی استدلال می‌کنند که نمایندگان به تدریج قسمتی از ساختار قدرت نخبگان تبدیل می‌شوند و به همین دلیل نمایندگان، منافع منتخبین خود را رها می‌کنند. در حالی که نظام نمایندگی باید نمایندگان را مجبور کند بر اساس خواست موکلین خود عمل کنند. این‌گونه است که

ما با نظریات متعارض و مختلف در مورد نظام نمایندگی مواجه می‌شویم.

۲- روش تحقیق

در این تحقیق به دلیل آنکه لازم بود توجه به بستر و زمینه تحقیق و با استخراج دانش ضمنی خبرگان پدیده مورد مطالعه از ابعاد مختلف مورد جست‌وجو قرار گیرد، لذا از روش تحقیق کیفی که رویکردی منعطف بوده و یافته‌های آن به صورت خود جوش ظاهر می‌شوند، استفاده شده و از بین راهبردهای مختلف تحقیق کیفی از راهبرد گراندد تئوری استفاده شده است. در پژوهش حاضر از ۱۵ نفر متخصص در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به عنوان جامعه پژوهش بهره برده خواهد شد. این افراد به صورت مشخص شامل اساتید دانشگاه، دانشجویان و نخبگان در حوزه سیاسی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران هستند. پس از مشخص شدن این افراد، پاسخ‌های آنان به سؤالات از طریق مصاحبه جمع‌آوری خواهد شد. این ۱۵ نفر دربردارنده اساتید علوم سیاسی و علوم اقتصادی مشغول در دانشگاه‌های آزاد و دولتی شهر تهران هستند. حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از اصل اشباع نظری تعیین می‌شود که این افراد با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب می‌شوند. همچنین ملاک‌های ذیل، برای پذیرش افراد به عنوان مصاحبه‌شونده مدنظر قرار گرفت:

ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت‌اند از: متخصص در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و برخورداری از تمایل جهت شرکت در پژوهش
ملاک‌های خروج عبارت‌اند از: افراد ناآگاه به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و عدم تمایل جهت شرکت در پژوهش.

در این تحقیق انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند بوده است. محقق پس از مطالعه برخی از مستندات و با در نظر داشتن حوزه مورد نظر، هماهنگی‌های لازم را برگزیدند. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کند که محققان در داده‌ها به مرز اشباع برسند و مفاهیم مرتبط با پدیده مورد نظر که توسط مصاحبه‌شوندگان مختلف مطرح می‌شوند، تکراری شده و مطلب جدیدی به مدل اضافه نشود. روش‌های گردآوری اطلاعات پژوهش به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی از روش مصاحبه تقسیم می‌شود. در خصوص گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی با مصاحبه از خبرگان پژوهش استفاده می‌شود. در این پژوهش برای بررسی اعتبار مصاحبه از روش اعتبار محتوا استفاده

شد. منظور از اعتبار محتوا میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. در این پژوهش قبل از شروع تحقیق، رضایت شرکت‌کنندگان در مصاحبه بعد از بیان اهداف تحقیق، جلب شد چرا که لازم بود آنان اطلاعات خود را با پژوهشگر به اشتراک بگذارند؛ اطلاعاتی که اغلب بسیار خصوصی و شخصی هستند. سپس به شرکت‌کننده این اطمینان خاطر داده شد که افرادی که نتایج پژوهش وی را می‌خوانند، هیچ راهی برای شناسایی وی ندارند و قول داده شد که پژوهشگر هرگز اطلاعات شخصی را فاش نکند. محقق علاوه بر رعایت موارد بالا، حق انتخاب برای مشارکت‌کنندگان قائل بود تا از روند و مسیر کار، آگاه بوده و مخیر به ادامه یا قطع مصاحبه در هر زمانی بودند. در این پژوهش فرایند تحلیل داده‌ها، طی سه مرحله کدگذاری صورت پذیرفت. این سه مرحله مطابق نظریه زمینه‌ای عبارتند از: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ بوده است (استراوس و کوربین^۴، ۱۹۹۸ به نقل از کیا، میمندی، ۱۳۹۳).

پ- تحلیل داده‌ها

در این مرحله از روش کدگذاری باز و محتوایی (محوری) استفاده شد. بیش از ۱۲۰۰ کد باز از منابع تأیید شده در گام‌های قبلی مطابق جدول ۲، استخراج شد. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که عوامل تجربی زیادی بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت تأثیرگذار هستند، به طوری که نقش شهروندان و وظایف کارکردی آن‌ها را یک عامل بسیار تأثیرگذار برای توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان بارها در مصاحبه‌ها به عامل‌های بسیاری در ارتباط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت تأکید می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که شهروندان می‌بایستی با ورود به جامعه به سرعت احساس امنیت و آرامش نموده و خود را با هنجارهای موجود در محیط وفق دهند. مصاحبه‌ها گویای این موضوع‌اند که شهروندان را یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر عملکرد جوامع و تعیین نوع خط مش جامعه می‌دانند. بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مفاهیم

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Strauss & Corbin

اصلی و مقوله‌های شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۲) است.

جدول شماره ۲- شرایط علی - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
شرایط علی	کیفیت زندگی کاری شهروندان	داشتن پول برای اجاره مسکن، داشتن شغل مناسب، داشتن بیمه از سوی مسئولین، مقدار درآمد مکفی خرج امروز، داشتن مهارت
	داشتن آزادی بیان	بالا بودن سطح فرهنگ، بیان ایده‌ها، ارتقاء، آگاه به مسائل کاری، دغدغه به مسائل جامعه،
	پاسخگویی و مسئولیت پذیری	احساسات عاطفی، نشاط از نوع کار، قوی بودن ایمان و اعتقاد، دانستن نقش خود در جامعه، بصبر و شکیبایی، امید و تلاش
	فرهنگ جامعه	تفکر اجتماعی، تدوین شاخص‌های فرهنگی، تقویت شاخص‌های فرهنگی، توجه به مزیت‌های فرهنگی، سازگاری فرهنگی
	اسناد و قوانین بالادستی	جانبداری، توسعه قوانین حمایت‌گرا، قوانین تسهیل‌گر امورات جامعه، اسناد و مدارک بارز، اعمال منشور اخلاق، اعمال رویکردهای ارزش محور در جامعه، رعایت عدالت و انصاف در جامعه، رعایت حقوق یکدیگر، احترام به قوانین معرفی شده، ارزش‌های اجتماعی، هم‌نوایی با جامعه

(منبع: محقق ساخته)

شهروندان باید بتوانند شناخت دقیقی از نیازهای شهروندان داشته باشند تا بتوانند بهترین تجربه را به آنها انتقال دهند تا بر روی رفتار شهروندان تأثیر گذار باشند. چنانچه مجموعه امکانات خدمت رسان بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند می‌توان یک تجربه مثبت در ذهن شهروند خلق کرد. از اینرو، نیروی انسانی، فضای فیزیکی و جنبه کارکردی خدمات نقش بسیار مؤثری در ایجاد یک تجربه مثبت مهیا خواهند کرد و یک زمینه ذهنی مناسبی برای ترجیحات شهروندان فراهم می‌آورند.

بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۳) است.

جدول شماره ۳- شرایط زمینه‌ای - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
شرایط زمینه‌ای	آموزش و توسعه و مهارت‌افزایی	آموزش مهارت، بهبود سبک کار، پرورش استعدادها و تقویت نوآوری، گسترش فرهنگ مطالعه و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، آموزش‌های فنی - حرفه‌ای، آموزش‌های حقوقی-اقتصادی، آگاهی از تکنولوژی‌های روز
	تیم‌سازی	تأمین امنیت در جامعه، تقویت ریسک‌پذیری و تشویق به استقلال، تغییر دیدگاه افراد نسبت به خودشان و ایجاد روحیه در آنها، ایجاد شادابی در افراد از طریق مشارکت در جامعه، کمک به بهبود روابط با یکدیگر، ایجاد احساس خودکارآمدی
	الزامات فرهنگی - اجتماعی	حمایت اجتماعی، شخصیت، پذیرش اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، هنجارهای اجتماعی، میثاق اجتماعی.
	الزامات قانونی	اهداف مشترک شهروندان، منافع مشترک شهروندان، وظایف همسو، هماهنگی مشترک، همسویی انگیزشی
	زیرساخت فناوری اطلاعات	آگاه از فرصت‌ها، ریسک‌پذیر، خلاق، مشتاق به تغییر، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، تاکید بر ابزارهای تکنولوژی، تلاش برای بهتر شدن امور، استفاده از روش‌های نوین کسب اطلاعات.

(منبع: محقق ساخته)

بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که عواملی که مرتبط با حقوق شهروندان در جامعه‌ها هستند به عنوان عامل‌های زمینه‌ای فرآیند حقوق شهروندان شناخته شدند. به این معنی که این عوامل برای ایجاد توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت ضروری هستند. نباید شک داشت که الزامات پاسخگوی مسائل جدید است. امروزه، جامعه‌ها برای موفقیت به الزامات و زیرساخت‌های لازم و پیچیده نیازمندند، شهروندانی که به مکان‌های خاص منحصر نبوده و شدیداً به ارتباطات و تعاملات نیروی انسانی وابسته است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جامعه‌ها برای موفق شدن و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت نیازمند افزایش ارتباط داخلی شهروندان خود، آموزش‌های لازم به آن‌ها، ایجاد انگیزه در آن‌ها و اصلاح ساختار داخلی شهروندان خود هستند و مسئولین مثبت

اندیشی را ابتدا باید در جامعه ایجاد نمایند و روش‌های اجرایی را در درون خود اصلاح نمایند. چنانچه بتوانند در میان شهروندان الزامات ایجاد کنند ابتدا باید آمادگی داخلی برای خدمت‌رسانی به شهروند داشته باشند. نیروی کار شهروند مدار، آگاه و با انگیزه در جهت رسیدن به تعالی در ارائه خدمات از مفاهیم مورد نظر محقق در این بخش است. هدف از توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت این است که جامعه بتواند شهروندان بیشتری را راضی کند، پس جذب و نگهداری شهروندان یکی از این مفاهیم را پوشش می‌دهد.

بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۴) است.

جدول شماره ۴- شرایط مداخله‌گر - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
شرایط مداخله‌گر	فرهنگ خدمتگزاری	حمایت‌های مناسب، ساختاردهی مناسب، خودباوری از سوی مسئولین، توجه به نیازهای شهروندان، تعادل کار-زندگی
	شفافیت‌سازی	تغییر سبک کاری، کاهش استرس‌ها و تنش‌های روحی و روانی، شادی با اصلاح باورها و معقول‌سازی آنها، بروز استعداد و بالندگی با شادی و نشاط، رویکرد آموزشی مشخص در اجتماع
	منشور اخلاقی	حمایت از سوی جامعه، فراهم نمودن بستر مناسب برای رفاه و آرامش، منشور اخلاقی و کاری در جامعه، مشخص نمودن حقوق افراد در جامعه، رعایت تساوی حقوق
	ثبات سیاسی	تقویت هم‌نوایی و خودتطابقی، احساس مسئولیت متقابل، یگانگی در شخصیت افراد، مشارکت، افزایش اعتماد، شرکت موثر در جامعه، بیان نظرات در جمع

(منبع: محقق ساخته)

مقوله‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به ایجاد مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط مداخله‌گر گردید. شهروندان امروز نیازمند قوانین و الزامات خاصی هستند؛ مسئولین و شهروندان باید بتوانند با ارائه و اعمال چارچوب‌های قانونی و اطلاع‌رسانی دقیق به شهروندان، فرهنگ‌سازی نموده و شهروندان را از قوانین خدماتی و مسئولیت‌های خود در مقابل شهروندان و همچنین اهداف جامعه، آگاه سازند. نقش

قوانین و مقررات می‌تواند اجرای راهبردها را برای جامعه‌ها هموار سازد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که چنانچه شهروندان به آگاهی عمیقی از وظایف و مسئولیت‌های خود دست نیابد راهبرد توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مختل می‌شود. هر جامعه آرزوی شهروندان دوراندیش را دارد، شهروندانی که ذهن پویایی دارند. جامعه‌ها موظف هستند که به توسعه ذهنی شهروندان کمک کنند تا شرایط علی اجرا شود یعنی برای ایجاد حساسیت شهروندان در درک واقعیت‌ها، شرایط را فراهم سازند. بر اساس آنچه درباره شرایط مداخله‌گر توضیح داده شد. بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط راهبردی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۵) است.

جدول شماره ۵- شرایط محوری - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
شرایط علی	حمایت اجتماعی	کمک به نگهداری فرزندان و تربیت آنها، حمایت‌های مدیریت، تقویت حمایت‌های عاطفی در حین کار، تغییر نگاه متعصبانه و باورهای غلط نسبت به اشتغال، کمک به تسریع انجام امور
	حمایت مدنی	تسهیل در اعطای وام و تسهیلات، تدوین قوانین حمایت اقتصادی، تشکیل صندوق‌های حمایتی
	حمایت جامعه	تقویت دید گره‌گشایی و انگیزه خدمت در جامعه، حمایت جامعه از نوع کار افراد، کمک جامعه‌های حمایتی، رها نکردن بعد از ایجاد اشتغال و کمک مالی توسط جامعه حمایتی، تغییر نگرش جامعه از کمک مادی هدف به سمت اشتغال‌زایی

(منبع: محقق ساخته)

مقوله محوری حاصل از شرایط علی، حمایت مسئولین ارشد از شهروندان ارائه‌دهنده در نظر گرفته شده است. در واقع حاصل تحلیل مصاحبه‌ها محقق را به این نتیجه رساند که قلب نظریه مشارکت مبتنی بر تجربه، ادراک و انتظار شهروندان و شهروندان از خدماتی است که به وی ارائه می‌شود. منظور این است که شهروندان بر اساس تجربیاتی که کسب می‌کند، از تعاملاتی که با جامعه‌ها دارند، نسبت به خدمات و کیفیت و کمیت آن‌ها، درک و فهم جدیدی از خدمات و ارائه‌دهندگان آن پیدا می‌کند و یک نگرش عمیق از جامعه‌ها در فکر و ذهن شهروندان ایجاد می‌شود که در وی ایجاد رضایتمندی می‌کند. گرچه دستیابی به توسعه سیاسی به عامل‌های زیادی ارتباط دارد ولی خدمات

ارائه‌شده به شهروندان و حمایت‌ها از سوی مسئولین می‌تواند به شهروندان نقش بسیار مهمی از رضایتمندی شهروندان داشته باشد. تجربه شهروندان از مسئولین و همچنین کارکردهای مسئولین و خدمات جامعه و میزان کفایت این خدمات به همراه فضای فیزیکی در درک و انتظار شهروندان از خدماتی که مسئولین ارائه می‌دهند، همچنین از ارائه‌دهنده آن خدمت تأثیر می‌گذارد. خلق این انتظارات منجر به حمایت مسئولین خواهد شد.

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مسئولین برای موفق شدن نیازمند سازوکارهایی، هستند و به درستی نیازهای شهروندان را بررسی و رفع نمایند. بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط راهبردی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۶) است.

جدول شماره ۶- شرایط راهبردی - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
شرایط راهبردی	کشف استعداد	ارتقای سطح دانش، مهارت‌گرایی، توانمندگرایی، تمایل به انجام کارهای جدید، افزایش خودآزمایی
	تفکرگرایی	خودآگاهی، پذیرش ایده‌های نو، رفع ترس از ناگفته‌ها، پذیرش جامعه، استقلال فکری، تقویت استعدادها،
	خودباوری	تقویت خودباوری، توجه به نیاز، حمایت‌های مناسب، تقویت اعتماد دبه نفس، احساس باارزش بودن در جامعه،
	رسانه‌های جدید	ارائه خدمات ویژه خانواده، تقویت سازوکارهای IT، فضای مجازی، تبلیغات محیطی و رسانه‌ای، افزایش سواد رسانه‌ای،
	شبکه‌سازی	آموزش‌های اجتماعی، پایداری اجتماعی، هویت اجتماعی، تعاملات سازنده اجتماعی، احترام، معاشرت‌های اثربخش
	ارتباطات سازنده	دسترسی به سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مهارت ارتباطی، مهارت صحبت کردن، درک و همدلی، تصورات ذهنی مناسب از محیط

(منبع: محقق ساخته)

محقق با توجه به مجموعه مفاهیمی که از لابه‌لای مصاحبه‌ها و کدهای نهایی استخراج شده است، مقوله راهبردی را کشف استعداد، تفکرگرایی، خودباوری، رسانه‌های جدید و شبکه‌سازی و ارتباطات سازنده را نام‌گذاری کرده است. تفکر سیستمی نقش اساسی در جامعه دارد و ترکیبی از تفکرگرایی،

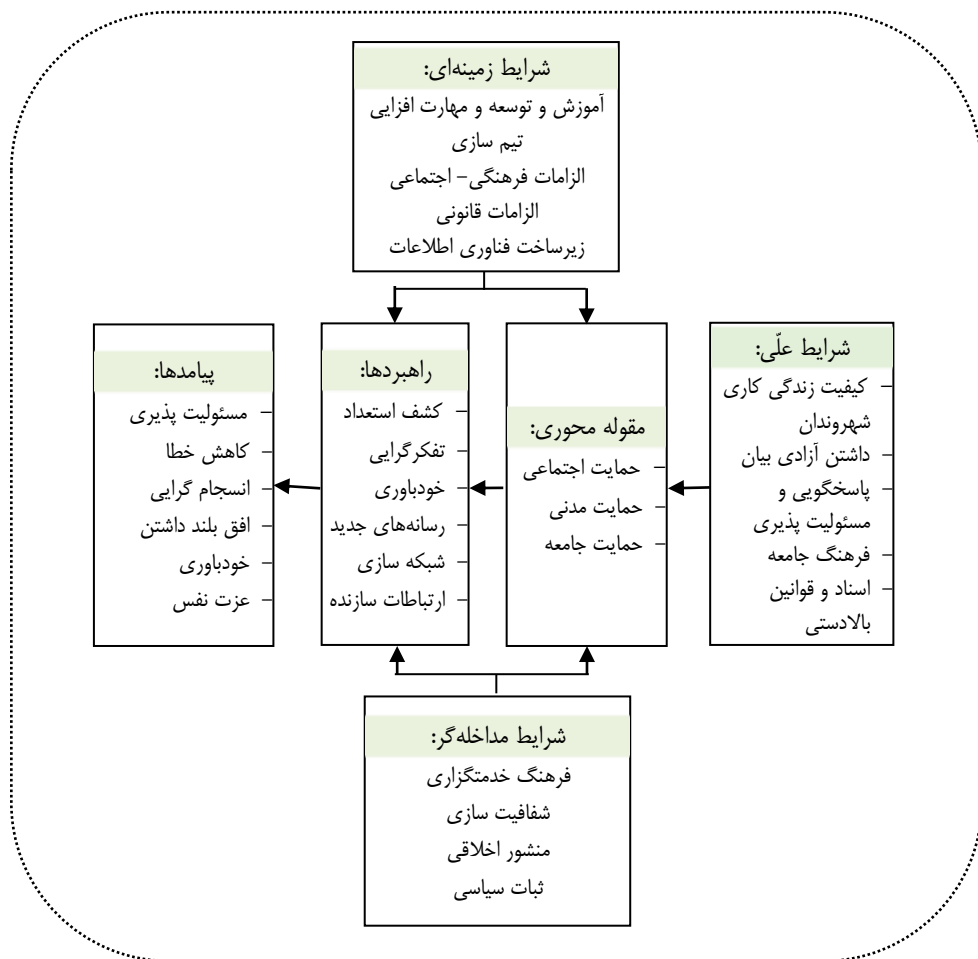
خودباوری و کشف استعداد برای شهروندان است. شهروندان، خدماتی بیش از انتظاراتش به او ارائه می‌شود و ارزش بالایی از خدمات را درک می‌کند. امروزه هر کدام از شهروندان، خواسته‌ها و ترجیحات و انتظارات و معیارهای خاص خود را دارند مخصوصاً زمانی که رفتارهای شهروندان در جامعه‌ها بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان باشند. شکی نیست که شهروندان دارای حق انتخاب هستند و باید به آن‌ها احترام گذاشت و اهمیت داد. ایجاد رضایتمندی در شهروندان در صورتی امکان‌پذیر است که خدمات بهتر و باکیفیت‌تر و با هزینه کمتر به وی ارائه شود. ارزش‌آفرینی برای شهروندان منجر به احیای حقوق شهروندی می‌گردد و شهروند محور همه فعالیت‌های یک جامعه است و همین امر باعث می‌گردد که جامعه و مسئولین دولتی شهروندان را در تمامی زمینه‌های کاری مورد توجه قرار داده و به پیشنهادها آن‌ها ارج نهد، به شهروندان سریع پاسخ دهند، برای شهروندان ارزش اضافی ایجاد کند و در زمینه کیفیت خدمات‌دهی از وی مشاوره و نظرخواهی کنند، قابلیت‌های فردی شهروندان را مد نظر داشته و برای وی خدمات ویژه ارائه دهد.

جدول شماره ۷- مقوله‌های پیامد - مفاهیم اصلی و مقوله‌های فرعی

گزاره	مقوله‌ها	شاخص‌ها
پیامدها	مسئولیت‌پذیری	آموزش خلاقیت، تاکید بر مسئولیت‌پذیری، رقابت قاعده‌مند، حس اعتماد‌پذیری
	کاهش خطا	حمایت از سوی جامعه، آموزش هدف‌گرایی، فراهم نمودن بستر مناسب برای رفاه و آرامش
	انسجام‌گرایی	تقویت هم‌نوایی و خودتطابقی، احساس مسئولیت متقابل، یگانگی در شخصیت افراد، مشارکت، افزایش اعتماد
	افق بلند داشتن	خوش‌بینی به آینده، تقویت امید و خودباوری، تقویت نگرش مثبت، تقویت ایمان و باور
	خودباوری	تاکید بر حقوق‌کاری، رعایت عدالت و مساوات، دادن فرصت‌های خودباوری، توجه به ارزش‌های وجودی،
	عزت نفس	عدم گوشه‌گیری، میدان دادن به نظرات، پذیرش ایده‌های نو، دادن فرصت‌های مهم، ارج نهادن به فکرهای نو

(منبع: محقق ساخته)

بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مفاهیم اصلی و مقوله‌های پیامدی تأثیرگذار بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مطابق با جدول (۷) است.



نمودار شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

(منبع: محقق ساخته)

محقق شش دسته پیامد برای توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت در نظر گرفته است. اجزای مدل در طی این فرآیند منجر به پیامدهای چهارگانه‌ای می‌شود که توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت را به همراه داشته باشد. شرایط علی ناشی از تجربه شهروندان می‌تواند در بستر شرایط زمینه‌ای و درک و استنباط شهروندان از خدمات و ارائه‌دهندگان آن منجر به ارزش‌آفرینی چندگانه‌ای شود که پیامدهای آن منجر به نیروی کاری مسئول، متعهد می‌شود. عشق به کار و مسئولیت‌پذیری نسبت به شهروندان، همچنین

انسجام‌گرایی و افق بلند داشتن و حفظ کرامت، عزت‌نفس و ارزش‌های انسانی مزیت‌های نسبی برای شهروندان و جامعه دارد و در نهایت افزایش سرمایه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی - فرهنگی از پیامدهای قابل ذکر است که در صورت رخ دادن این پیامدها پدیده توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت تحقق خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به منظور شناسایی شاخص‌های اثربخش بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت، از روش تحلیل داده بنیاد به روش کدگذاری استفاده شده است. پس از بررسی کدهای باز و دسته‌بندی آن‌ها، محقق در قالب ۳۰ مقوله را با استفاده از پارادایم استراوس و کوربین دسته‌بندی نموده است و با انجام مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، درک عمیق‌تری در رابطه با موضوعات مطرح شده به دست آورده است. سپس بین مقوله‌ها و ویژگی‌های شناخته شده در مرحله اول کدگذاری، حرکت رفت و برگشتی انجام شده است. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که مقوله‌ها به حد اشباع تئوریکی رسیدند. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های اثربخش بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: کیفیت زندگی کاری شهروندان، داشتن آزادی بیان، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، فرهنگ جامعه، اسناد و قوانین بالادستی، آموزش و توسعه و مهارت‌افزایی، تیم‌سازی، الزامات فرهنگی - اجتماعی، الزامات قانونی، زیرساخت فناوری اطلاعات، فرهنگ خدمتگزاری، شفافیت‌سازی، منشور اخلاقی، ثبات سیاسی، الزامات قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت مدنی، حمایت جامعه، کشف استعداد، تفکرگرایی، خودباوری، رسانه‌های جدید، شبکه‌سازی، ارتباطات سازنده، مسئولیت‌پذیری، کاهش خطا، انسجام‌گرایی، افق بلند داشتن، خودباوری، عزت‌نفس است. عوامل تجربی زیادی بر توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت تأثیرگذار هستند، به طوری که نقش شهروندان و وظایف کارکردی آن‌ها را یک عامل بسیار تأثیرگذار برای توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان بارها در مصاحبه‌ها به عامل‌های بسیاری در ارتباط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت تأکید می‌کردند. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که شهروندان باید با ورود به جامعه به سرعت احساس امنیت و آرامش نموده و خود را با هنجارهای موجود در محیط وفق دهند. مصاحبه‌ها

گویای این موضوع‌اند که شهروندان را یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر عملکرد جامعه‌ها و تعیین نوع خط مش جامعه می‌دانند.

بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های علی مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: کیفیت زندگی کاری شهروندان و داشتن آزادی بیان، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، فرهنگ جامعه، اسناد و قوانین بالادستی است. شهروندان باید بتوانند شناخت دقیقی از نیازهای شهروندان داشته باشند تا بتوانند بهترین تجربه را به آن‌ها انتقال دهند تا بر روی رفتار شهروندان تأثیرگذار باشند. چنانچه مجموعه امکانات خدمت رسان بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند؛ می‌توان یک تجربه مثبت در ذهن شهروند خلق کرد. از این رو نیروی انسانی، فضای فیزیکی و جنبه کارکردی خدمات نقش بسیار مؤثری در ایجاد یک تجربه مثبت مهیا خواهند کرد و یک زمینه ذهنی مناسبی برای ترجیحات شهروندان فراهم می‌آورند.

بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های زمینه‌ای مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: آموزش و توسعه و مهارت افزایی، تیم‌سازی، الزامات فرهنگی- اجتماعی، الزامات قانونی، زیرساخت فناوری اطلاعات است. بررسی مصاحبه‌ها و استخراج کدهای اولیه و نهایی نشان می‌دهد که عواملی که مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت در جامعه هستند به عنوان عامل‌های زمینه‌ای شناخته شدند، به این معنی که این عوامل ضروری هستند. نباید شک داشت که الزامات پاسخگوی مسائل جدید است. امروزه، جامعه‌ها برای موفقیت به الزامات و زیرساخت‌های لازم و پیچیده نیازمندند، شهروندانی که به مکان‌های خاص منحصر نبوده و شدیداً به ارتباطات و تعاملات نیروی انسانی وابسته است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جامعه‌ها برای موفق شدن و ایجاد بستر حقوق شهروندی نیازمند افزایش ارتباط داخلی شهروندان خود، آموزش‌های لازم به آن‌ها، ایجاد انگیزه در آن‌ها و اصلاح ساختار داخلی شهروندان خود هستند و مسئولین مثبت اندیشی را ابتدا باید در جامعه ایجاد نمایند و روش‌های اجرایی را در درون خود اصلاح نمایند. چنانچه بتوانند در میان شهروندان الزامات ایجاد کنند ابتدا باید آمادگی داخلی برای خدمت‌رسانی به شهروند داشته باشند. نیروی کار شهروند مدار، آگاه و بانگیزه در جهت رسیدن به تعالی در ارائه خدمات از مفاهیم مورد نظر محقق در این بخش است. هدف از توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس

نظریه مشارکت این است که جامعه بتواند شهروندان بیشتری را راضی کند، پس جذب و نگهداری شهروندان یکی از این مفاهیم را پوشش می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های مداخله‌گر مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: فرهنگ خدمتگزاری، شفافیت‌سازی، منشور اخلاقی، ثبات سیاسی است. تم‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به ایجاد مفاهیم اصلی و مقوله‌های شرایط مداخله‌گر گردید. شهروندان امروز نیازمند قوانین و الزامات خاصی هستند، مسئولین و شهروندان باید بتوانند با ارائه و اعمال چارچوب‌های قانونی و اطلاع‌رسانی دقیق به شهروندان، فرهنگ‌سازی نموده و شهروندان را از قوانین خدماتی و مسئولیت‌های خود در مقابل شهروندان و همچنین اهداف جامعه، آگاه سازند. نقش قوانین و مقررات می‌تواند اجرای راهبردها را برای جامعه‌ها هموار سازد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که چنانچه شهروندان به آگاهی عمیقی از وظایف و مسئولیت‌های خود دست نیابد راهبرد توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت مختل می‌شود. هر جامعه‌ای آرزوی شهروندان دوراندیش را دارد، شهروندانی که ذهن پویایی دارند. جامعه‌ها موظف هستند که به توسعه ذهنی شهروندان کمک کنند تا شرایط علی اجرا شود یعنی برای ایجاد حساسیت شهروندان در درک واقعیت‌ها، شرایط را فراهم سازند. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های مداخله‌گر مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: الزامات قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت مدنی، حمایت جامعه است. مقوله محوری حاصل از شرایط علی، حمایت مسئولین ارشد از شهروندان در نظر گرفته شده است. در واقع حاصل تحلیل مصاحبه‌ها محقق را به این نتیجه رساند که قلب نظریه مشارکت مبتنی بر تجربه، ادراک و انتظار شهروندان و شهروندان از خدماتی است که به وی ارائه می‌شود. منظور این است که شهروندان بر اساس تجربیاتی که کسب می‌کند، از تعاملاتی که با جامعه‌ها دارند، نسبت به خدمات و کیفیت و کمیت آن‌ها، درک و فهم جدیدی از خدمات و ارائه‌دهندگان آن پیدا می‌کند و یک نگرش عمیق از جامعه‌ها در فکر و ذهن شهروندان ایجاد می‌شود که در وی ایجاد رضایتمندی می‌کند. گرچه دستیابی به توسعه سیاسی به عامل‌های زیادی ارتباط دارد ولی خدمات ارائه شده به شهروندان و حمایت‌ها از سوی مسئولین می‌تواند به شهروندان نقش بسیار مهمی از رضایتمندی شهروندان داشته باشد. تجربه شهروندان از مسئولین و همچنین کارکردهای مسئولین و خدمات جامعه و میزان کفایت این خدمات به همراه فضای فیزیکی در درک و انتظار شهروندان از خدماتی که مسئولین ارائه می‌دهند،

همچنین از ارائه‌دهنده آن خدمت تأثیر می‌گذارد. خلق این انتظارات منجر به حمایت مسئولین خواهد شد. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های راهبردی مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: کشف استعداد، تفکرگرایی، خودباوری، رسانه‌های جدید، شبکه‌سازی، ارتباطات سازنده است. محقق با توجه به مجموعه مفاهیمی که از لابه‌لای مصاحبه‌ها و کدهای نهایی استخراج شده است، مقوله راهبردی را کشف استعداد، تفکرگرایی، خودباوری، رسانه‌های جدید و شبکه‌سازی و ارتباطات سازنده را نام‌گذاری کرده است. تفکر سیستمی نقش اساسی در جامعه دارد و ترکیبی از تفکرگرایی، خودباوری و کشف استعداد برای شهروندان است. شهروندان، خدماتی بیش از انتظاراتش به او ارائه می‌شود و ارزش بالایی از خدمات را درک می‌کند. امروزه هر کدام از شهروندان، خواسته‌ها و ترجیحات و انتظارات و معیارهای خاص خود را دارند مخصوصاً زمانی که رفتارهای شهروندان در جامعه‌ها بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان باشند. شکی نیست که شهروندان دارای حق انتخاب هستند و باید به آن‌ها احترام گذاشت و اهمیت داد. ایجاد رضایتمندی در شهروندان در صورتی امکان‌پذیر است که خدمات بهتر و باکیفیت‌تر و با هزینه کمتر به وی ارائه شود. ارزش‌آفرینی برای شهروندان منجر به احیای حقوق شهروندی می‌گردد و شهروند محور همه فعالیت‌های یک جامعه است و همین امر باعث می‌گردد که جامعه و جامعه‌ها دولتی شهروندان را در تمامی زمینه‌های کاری موردتوجه قرار داده و به پیشنهادها وی ارجح نهد، به شهروندان سریع پاسخ دهند، برای شهروندان ارزش اضافی ایجاد کند و در زمینه کیفیت خدمات‌دهی از وی مشاوره و نظرخواهی کنند، قابلیت‌های فردی شهروندان را مدنظر داشته و برای وی خدمات ویژه ارائه دهد. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، مشخص گردید که شاخص‌های پیامدی مرتبط با توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری، کاهش خطا، انسجام‌گرایی، افق بلند داشتن، خودباوری، عزت‌نفس است. محقق شش دسته پیامد برای توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مشارکت در نظر گرفته است. اجزای مدل در طی این فرآیند منجر به پیامدهای شش‌گانه‌ای می‌شود که توسعه سیاسی را به همراه داشته باشد. شرایط علی ناشی از تجربه شهروندان می‌تواند در بستر شرایط زمینه‌ای و درک و استنباط شهروندان از خدمات و ارائه‌دهندگان آن منجر به ارزش‌آفرینی چندگانه‌ای شود که پیامدهای آن منجر به نیروی کاری مسئول، متعهد می‌شود. عشق به کار و مسئولیت‌پذیری نسبت به شهروندان، همچنین انسجام‌گرایی و افق بلند داشتن

و حفظ کرامت، عزت‌نفس و ارزش‌های انسانی مزیت‌های نسبی برای شهروندان و جامعه دارد و در نهایت افزایش سرمایه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی - فرهنگی از پیامدهای قابل‌ذکر است که در صورت رخ دادن این پیامدها پدیده توسعه سیاسی تحقق خواهد یافت.

طبیعتاً توسعه سیاسی و به‌ویژه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مستلزم وجود بسترها و شرایطی است که امکان فعالیت مؤثر آن‌ها را فراهم سازد و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این مورد وجود یک چهارچوب فکری (مدل)، با فرهنگ نهادینه شده مشارکت و تصمیم‌گیری‌ها و احترام به خرد جمعی است. اکنون این واقعیت به خوبی در هزاره جدید پذیرفته شده است که مقوله فرهنگ اهمیتی محوری در تمامی عرصه‌های زندگی بشر دارد. این موضوع تحت تأثیر تحولات سریع و گوناگون در ابعاد مختلف حیات انسان‌ها و ظهور گرایش‌های جدید در علوم اجتماعی موردقبول واقع شده است که بدون رجوع به فرهنگ و موضوعات فرهنگی نمی‌توان برداشتی درست و دقیق از مسائل و موضوعات زندگی ارائه کرد. در جهان کنون، محتوا و صورت زندگی در ابعاد مختلف؛ شکلی فرهنگی به خود گرفته است. کمتر موضوعی را می‌توان یافت که به نحوی به فرهنگ مرتبط نباشد. فرهنگ حتی در بطن و صورت موضوعات اقتصادی وارد شده و جایگاه محوری در آن پیدا کرده است. این چرخش قابل ملاحظه به سمت فرهنگ، مستلزم توجه جدی است. اهمیت فرهنگ اکنون از نقشی که برای آن در زمینه همبستگی اجتماعی، ایجاد انگیزه و تحول پیشرفت، حل مشکلات اجتماعی، پر کردن اوقات فراغت و غیره متصور بودند بسی فراتر رفته است. امروزه سرنوشت کشورها کاملاً با تحولاتی که در عرصه فرهنگ در سطوح ملی و فراملی رخ می‌دهد پیوند خورده است. کشورها و یا به عبارت دقیق‌تر دولت - ملت‌ها در جهان متغیر کنونی وارد فضایی شده‌اند که اقدامات و فعالیت‌هایشان به طور اجتناب‌ناپذیری تحت تأثیر تحولات عرصه فرهنگ قرار دارد. سیاست‌گذاری فرهنگی در مسیر رشد و توسعه امری مهم تلقی می‌شود. سیاست‌گذاری فرهنگی، راهکار و دستورالعمل برای تعیین اولویت برنامه‌های فرهنگی برای مدیران فرهنگی خواهد بود. سیاست‌گذاری فرهنگی که نشان از سیاست‌پذیری فرهنگ دارد، قدمتی طولانی دارد. در عصر یونان باستان برای فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو مسئله چگونگی کنترل و سیاست‌گذاری فرهنگی جامعه مطرح بوده است. مطابق دیدگاه افلاطونی، فرهنگ جامعه کنترل‌پذیر است. وظیفه مهار و هدایت آن به سوی مسیرهای از پیش تعیین‌شده بر عهده دانایان و عقلاست که موظف‌اند تکلیف جامعه را تعیین کنند. از نظر ارسطو، افراد جامعه باید خود راه آزادگی و رهبری را بیاموزند. فرهنگ، نمودار شادمانی،

رضایت و فضیلت برای کل جامعه و نه فقط زمامداران است. دولت نیز برآورنده خواسته‌ها و استعدادهای جامعه است، نه شکل دهنده به تمام علایق آن‌ها. کار حکومت، به بند کشیدن و تعیین تکلیف تام و تمام نیست، بلکه کمک به بروز استعدادهای موجود در اجتماع است.

منابع

الف - منابع فارسی

- اکبرزاده، اسدی، مسعود؛ کریمی فرد، حسین زاده (۱۴۰۱)، «تأثیر فهم سیاسی مبتنی بر عقلانیت فقهی بر چگونگی شکل‌گیری نظام سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲)، ۲-۱۶.
- آقا محمدی، بهروز؛ صدیق، میر ابراهیم؛ شیرزادی، رضا (۱۴۰۱)، «کارکرد نهادهای سیاسی - مدنی و نقش آن در توسعه سیاسی کشور»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۴(۴): ۱۲۶۲-۱۲۴۷.
- پریزاد، رضا؛ سلیمانی، محمدمهدی (۱۴۰۱)، «نقش نهاد ملی حمایت از حقوق بشر در پیشبرد توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله پژوهش ملل، ۸۲، ۳۶-۷.
- جلالیان، عسگر؛ شهرکی، حسین (۱۴۰۱)، «تأثیر توسعه سیاسی بر تحقق حق بر محیط‌زیست سالم»، همایش مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، دوره ۶؛ ۱۳۷۶-۱۳۷۲.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۸)، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی» فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲(۴)، ۱۲۷-۱۴۶.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۳)، نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر قومس.
- صباغ کرمانی، مجید؛ باسقا، مهدی (۱۳۸۸)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت»، مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی، تحقیقات اقتصادی، ۴۴(۸۶)، ۱۰۹-۱۳۰.
- صدیق، میر ابراهیم؛ عطایی واله، حسین؛ امینی، آرمین (۱۴۰۱)، نقش نهادهای مدنی و دیپلماسی شهری در توسعه سیاسی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲۲، ۵۵۸-۵۳۶.
- عرب احمدی، احمد؛ حمیدی، کامبیز (۱۳۹۷)، شناسایی عوامل مرتبط در ارزیابی خط‌مشی‌های توسعه منابع انسانی کارکنان دولت، خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۹، ۳۵-۴۹.

- علی محسنی، محسن و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۲)، تبیین چگونگی شکل‌گیری نزدیک‌بینی سیاستی در نظام خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر خط‌مشی‌های حوزه جمعیت، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۷۳.
- گلشنی، احمد و همکاران (۱۳۹۹)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶(۵۳)، ۷۹-۹۴.
- ملکی، پرویز؛ ظهراپی، چنور؛ صدفی، ذبیح‌اله و جهانگیری، علیرضا (۱۴۰۱)، «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش به عملکرد توسعه‌ای دولتمردان در ایران (از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی شهر زنجان)»، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۵۶(۲): ۳۶۹-۳۹۳.
- مهدوی عادل، محمدحسین، حسین زاده بحرینی، محمدحسین و جوادی، افسانه (۱۳۸۷)، «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، دانش و توسعه، ۱۵(۲۴)، ۸۵-۱۰۲.
- نوروزی، مرندی (۱۴۰۱)، «بررسی مشارکت سیاسی تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌های شهر کرد بر مبنای نظریه الزام سیاسی»، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی ۱۲(۱)، ۷۰-۸۲.

ب- منابع لاتین

- Boone, L. E, & Kurtz, D. L. (2019). *Contemporary business*. John Wiley & Sons
- Fukuyama, F. (2020). *Political development*. In S. M. Amadae (Ed.), *The Oxford Handbook of Political Science* (pp. 137-167). Oxford University Press.
- Huntington, S. P. (1968). Political development and political decay. *World politics*, 20(2), 183-207.
- Janooski, T. (2018), Problems of Policy Implementation in Developing Nations: *The Nigerian Experience*. *J. Soc. Sci.*, 11(1): 63-69.
- Komeili, D.K. (2017). Information systems innovations and supply chain management: Channel relationships and firm performance. *Journal of the Academy of Marketing Science* 34(1): 40-54.
- Pye, L. W. (1966). *Political Development*. Princeton University Press.